موزه گردی

نمایشگاه تك‌اثر قرآنی افتتاح شد

نمایشگاه تك‌اثر قرآنی با همکاری موزه ملی ایران و موزه ملی قرآن کریم به‌طور رسمی افتتاح شد؛ چهارشنبه گذشته و با حضور جمعی از مسؤولان سازمان میراث فرهنگی و شهرداری تهران و مدیر بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه.

اگر علاقه‌مند به موزه‌گردی و دوستدار تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام هستید، تا دهم تیر امسال می‌توانید از این نمایشگاه در موزه ملی قرآن کریم بازدید کنید.

برگزاری نمایشگاه‌های تك‌اثر در موزه‌های دنیا چندی است رونق یافته و فرصتی برای تمرکز بیشتر روی یك شیء را فراهم می‌آورد. جبرئیل نوکنده، مدیر موزه ملی ایران هم در مراسم افتتاح این نمایشگاه قرآنی گفت: موزه ملی ایران که برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی را وظیفه خود می‌داند، برگزاری نمایشگاه‌های

تك‌اثر را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی کشور هم که در مراسم حضور داشت، گفت: به نظر می‌رسد موزه ملی قرآن کریم، مظلوم واقع شده در حالی که ظرفیت‌های فراوانی دارد و باید حمایت بیشتری شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین لهراسبی، مدیر موزه ملی قرآن کریم نیز با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش تعداد بازدیدکنندگان از این موزه گفت: با توجه به همکاری با ستاد شهرداری تهران، تعداد بازدیدکنندگان از موزه قرآن کریم در نوروز ۹۸ افزایش یافت. / جام‌جم

ارزیابان شورای جهانی صنایع‌دستی در راه قاسم‌آباد گیلان

خب انگار قرار است یك اتفاق خوب دیگر در حوزه صنایع‌دستی کشورمان و همین‌طور استان گیلان بیفتد و یك روستا در این خطه سرسبز شمالی به فهرست روستاهای جهانی صنایع‌دستی اضافه شود. این روستا قاسم‌آباد است و شغل و هنر مردمانش چادرشب بافی. قاسم‌آباد تیر سال گذشته از سوی شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی به‌عنوان روستای ملی چادر شب بافی ثبت شده بوده و حالا مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گیلان گفته ارزیابان شورای جهانی صنایع‌دستی برای بررسی ثبت جهانی قاسم‌آباد به عنوان روستای چادرشب‌بافی به گیلان می‌آیند.

شهرود امیرانتخابی اضافه کرده این گروه تا اواخر خرداد امسال به گیلان سفر می‌کنند و قرار است با حضور در روستای قاسم‌آباد، ضمن بازدید از خانه خلاقیت نساجی، کارگاه‌های چادر شب بافی و فروشگاه‌های صنایع‌دستی، فرآیند ارزیابی ثبت جهانی شدن را آغاز می‌کنند. / میراث آریا

بهناز پویان نسب احیاکننده عروسک بومی دزفولی‌هاست که به آن «بی» می‌گویند

گفت‌وگو با یکی از احیاکنندگان عروسك‌های محلی و سنتی در کشور که حالا به فکر صادرات هم افتاده

«بِی» به جای باربی

مینا مولایی

ایران

بین من و گلبهار و عطرگل و صدرگل، ۶۸۰ کیلومتر فاصله است؛ از تهران تا دزفول، اما از همین فاصله دور هم می‌توانم زل بزنم به چشم‌های درشت و ابروهای کمانی‌شان، به لباس‌های رنگی و دامن پرچین و چارقدهای منجوق‌دارشان و از دیدن این همه رنگ، این همه ظرافت و زیبایی سر ذوق بیایم. بین من و این عروسك‌ها فاصله کم نیست، اما بهناز پویان‌نسب از همین راه دور راوی داستان گلبهار و عطرگل و صدرگلش می‌شود؛ عروسك‌هایی که داستان خودشان را دارند، یك داستان دور و دراز و تاریخی؛ داستانی که چندسالی است وصل شده به زندگی این دختر جوان که لیسانس صنایع شیمی دارد و حالا یکی از احیاکنندگان عروسك‌های بومی کشورمان است؛ عروسکی که دزفولی‌ها به آن «بِی» می‌گویند و از سه سال پیش به همت این هنرمند خوش‌ذوق صنایع‌دستی کشورمان دوباره جان گرفته و نه فقط از مرز استان خوزستان، که از مرز کشورمان هم عبور کرده؛ حالا چند تا گلبهار ساکن آمریکا هستند، چند تا عطرگل توی فرانسه می‌چرخند و چند تا صدرگل هم خودشان را رسانده‌اند به آلمان و شده‌اند نماد میراث فرهنگی ایران در آن سوی دنیا.

هر هفته با کارآفرینان و هنرمندان صنایع‌دستی

استقبال از عروسک «بی» در شهرهای بزرگ‌تر از جمله تهران بیشتر است چند تا عروسك هم به فرانسه آلمان، آمریکا و کویت فرستاده‌ام و در حال آماده‌کردن سفارشی از انگلیس هستم

احیای یك عروسك بومی کار جالبی است. چطور به این فکر افتادید؟

این عروسك برای من غریبه نبود، با این‌که خودم هیچ‌وقت آن را نداشتم، اما خاله‌ام از خیلی قدیم‌ها یك عروسك شبیه اینها را با خودش داشت، مادربزرگم هم روش ساخت آن را بلد بود. تا سه سال پیش البته هیچ‌وقت به طور جدی به ساخت این عروسك فکر نکرده بودم، حتی از پیشینه این عروسك هم خبر نداشتم. تا این‌که بالاخره یك روز از مادربزرگم بانورضوان گوشه دزفولی خواستم ساخت آن را به من آموزش بدهد. آن موقع با این‌که ایشان بیمار بود و حال جسمی خوبی نداشت، اما با شوق و ذوق زیاد از این پیشنهاد استقبال کرد و ساخت عروسك را با همه جزئیاتش به من یاد داد. من هم اوایل برای دل خودم عروسك می‌ساختم و هدف خاصی نداشتم یعنی بیشتر به صورت یك سرگرمی بود؛ اما کم‌کم که از پیشینه این عروسك باخبر شدم، بحث احیا برایم جدی‌تر شد.

چه پیشینه‌ای؟

کم‌کم فهمیدم که این عروسك یك اسم قدیمی دارد و در زبان محلی دزفول به آن «بِی» می‌گفتند که به معنی عروس است. اما چیزی که برایم جالب بود کاربرد بِی بود که دیدم الان کاملا منسوخ شده، مادربزرگم می‌گفت که در قدیم دخترها برای تزیین اتاق عروس از این عروسك استفاده می‌کردند و یك جورهایی عروسك بی، سنگ صبور تازه‌عروس‌ها بوده، چون دخترها در سن پایین ازدواج می‌کردند، حتما هر دختری از آن نسل قدیم، یکی از این عروسك در جهازش داشته که بیشتر وقت‌ها هم خودش می‌ساخته. یعنی بِی، یك عروسك آیینی بوده که با یك بند خاص که الان بافتن‌اش را کسی بلد نیست در اتاق تازه عروس‌ها آویزان می‌شده و درددل‌هایشان را گوش می‌کرده و سنگ صبورشان بوده.

از آن عروسك‌های قدیمی به‌جز عروسکی که گفتید خاله شما داشت، بازهم نمونه‌ای هست؟

واقعیتش الان هنوز هستند خانواده‌هایی که عروسك قدیمی‌شان را داشته باشند، اما چون کار کلا منسوخ شده خیلی انگشت‌شمارند، شاید کمتر از ده تا خانواده را من پیدا کردم که این عروسك را دیده بودند یا آشنایی با آن داشتند. نکته جالب اینجا بود اکثر افرادی هم که عروسك بِی را می‌شناختند، در رده سنی مادربزرگ من بودند و خیلی از جاها، نه نسل من و نه نسل مادر من این عروسك را ندیده بود و همین موضوع انگیزه‌ای شد تا من این عروسك را احیا کنم.

پس شما برای احیا به حافظه مادربزرگ‌تان در ساخت عروسك تکیه کردید؟

بله و فکر می‌کنم تا وقتی ایشان زنده بودند پنج تا عروسك با هم ساختیم، اما آن موقع هنوز کار من این قدر رونق نگرفته بود. من اوایل تنهایی کار می‌کردم بعد که حجم سفارش‌ها بیشتر شد، از مادرم هم کمك گرفتم والان گروه هنری فاش که عروسك بومی دزفول را احیا کرده، از پنج نفر تشکیل شده.

این عروسك‌ها چه ویژگی خاصی دارند و چطور ساخته می‌شوند؟

اولین نکته این‌که عروسك‌ها تماما از پارچه ساخته می‌شوند، فقط در قسمت گردن و تکیه‌گاه سر، از یك تکه چوب استفاده می‌شود که مادربزرگم می‌گفت قدیم از نی در این قسمت استفاده می‌شد و الان چون آن نوع نی در دسترس ما نیست من از چوب بستنی استفاده می‌کنم. به‌جز بحث پرداختن به جزئیات، صورت هم در عروسك بِی مطرح است، یعنی فاصله چشم‌ها از هم، فاصله دهان و بینی و در مجموع شکل صورت که باید در استانداردترین حالت ممکن باشد و شاید در کمتر عروسك بومی‌ای این نکته رعایت شده باشد، به‌خصوص با این نگاه که مادربزرگم تعریف می‌کرد در قدیم وجود داشت که آفریدن فقط کار خداست و هنگام ساخت عروسك، سعی می‌کردند به شکلی توازن را به‌هم بزنند تا در این کار دستی نبرده باشند. نکته بعدی که نه فقط مشخص عروسك بی، بلکه مشخصه بیشتر عروسك‌های بومی است، جلوگیری از دوریزهاست. کلا عروسك‌های بومی، هنرهایی دوستدار طبیعت هستند و از دوریز مواد زیادی جلوگیری می‌کنند و این یك امتیاز مثبت برای این هنرهاست، در عروسك بِی هم ما به خاطر شکل ساختاری عروسك، از پشم شیشه برای پرکردن داخل بدن استفاده نمی‌کنیم و مثل قدیم داخل بدن عروسك را با پارچه‌های دوریز پر می‌کنیم و به این ترتیب حجم زیادی از خرده پارچه‌ها که قرار است تبدیل به زباله شوند با این کار بازیافت می‌شوند.

عروسك‌هایی که می‌سازید، اسم‌های مختلفی دارند؟

بله... من برای عروسك‌هایم اسم می‌گذارم چون از نظرمن هرکدامشان یك شخصیت و داستان دارند. این اسم‌ها را هم باز براساس یك سابقه ذهنی انتخاب کرده‌ام. پدربزرگم وقتی من بچه بودم من را گلبهار صدا می‌زد، به دخترخاله‌ام قشنگ می‌گفت و به دختردایی‌ام فاش گل. من این سه تا را از اینجا انتخاب کردم، یك بار هم یکی از دوستانم به من گفت که اسم مادربزرگش صدرگل است و یك خواهر داشته به نام تاج گل و یکی هم عطرگل. من دیدم این اسامی چقدر خاص و زیبا هستند و این سه تا اسم را هم به مجموعه اسامی اضافه کردم. بین این دخترها، یك عروسك مرد هم ساخته‌ام که اسمش آقای دزفولی است. البته واقعا نمی‌دانم که عروسك مرد با این هیبت و شکل بوده یا نه، ولی ساختار بدنی آقای دزفولی را شبیه عروسك بِی ساختم، لباسش را هم براساس پوشش مردان قدیم دزفول درست کردم و سعی کردم چهره‌اش هم یك چهره بومی باشد.

در قدیم این عروسك مرد وجود نداشته؟

چیزی که به جا نمانده، اما مادربزرگم می‌گفت که قبلا یك عروسك چهارپا (اسب یا قاطر) هم درست می‌کردند که بِی رویش می‌نشست و کنار اینها، یك عروسك مرد هم بوده.

عروسك‌هایی که می‌سازید، بیشتر در کدام شهرها فروش می‌رود؟

کلا در شهرهایی که هم کوچك هستند هم بافت بومی دارند، استقبال از صنایع‌دستی خیلی خوب نیست چون صنایع‌دستی برایشان یك چیز خیلی رایج است و همیشه آن را دیده‌اند، به خاطر همین استقبال از عروسك بِی در شهرهای بزرگ‌تر بیشتر است و ۹۰ درصد مشتری‌های من خارج از استان خوزستان هستند. یعنی بیشتر تهران و بعد هم کلانشهرهای دیگر. البته چند تا عروسك هم به فرانسه، آلمان، آمریکا و کویت فرستاده‌ام و در حال آماده کردن سفارشی از انگلیس هستم.

یکی از مشکلاتی که بیشتر هنرمندان صنایع‌دستی از آن گلایه می‌کنند بحث حمایت است، شما مسیر احیای یك عروسك بومی را چطور طی کردید؟

قطعا کار راحتی نبود، اما نمی‌توانم بگویم که هیچ جا از من حمایتی نشد، ولی وقتی یك کار جدید و تازه است احتیاج به بازار دارد. این مشکلی است که اغلب هنرمندان صنایع‌دستی با آن مواجه هستند، این‌که بازار خوبی برای محصولات‌شان نیست چرا؟ چون ارزش کار آنها به مردم نشان داده نشده، شاید اگر جایی باشد که این محصولات به مردم نشان داده شود، توجه آنها هم جلب گردد، ولی وقتی این فضا نیست یا کم است، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم برای خرید آنها پیشقدم شوند. من این تجربه را درباره عروسك بِی دارم، یعنی بارها دیده‌ام که وقتی کسی از داستان این عروسك باخبر می‌شود برای خریدش علاقه‌مند می‌شود و این نگاه متفاوت است با زمانی که به آن فقط به چشم یك عروسك پارچه‌ای بدون سابقه نگاه می‌کند.

مخاطب عروسك‌های شما بیشتر چه قشری هستند؟

بیشتر قشر بزرگسال به خاطر این‌که این عروسك‌ها یك کار فاخر فرهنگی و یك جور صنایع‌دستی هستند و این ارزش را قاعدتا افراد بزرگسال بیشتر درك می‌کنند، اما بچه‌ها هم واقعا آن را دوست دارند و من بچه‌های زیادی را دیده‌ام که به گلبهار هم بین باربی‌هایشان جا داده‌اند و این اتفاق خوبی است، گرچه شاید ذائقه این نسل جدید نباشد.

وقتی بند بالش‌ها برمی‌گردند

بهناز پویان‌نسب، به‌جز احیای عروسك بِی حالا به احیای وسایل سنتی دیگر شهرش هم رو آورده، انگیزه‌ای که باعث شده «بند بالش»های قدیمی دزفول دوباره زنده شوند. او درباره این اتفاق می‌گوید: بندبالش الان کلا در شهر ما منسوخ شده، اما من یادم می‌آید وقتی بچه بودم مادربزرگم آن را درست می‌کرد که بعدها هم این بندبالش کلا از یاد من رفت تا این‌که چند وقت پیش خاله‌ام یك بندبالش قدیمی به من داد و همان‌جا به فکر احیای بندبالش هم افتادم. البته مدت‌هاست که دیگر بندبالش کاربرد ندارد.

این هنرمند صنایع‌دستی در توضیح بیشتر می‌گوید: در قدیم هر نازبالش در دو طرفش دوتا بندبالش داشته یعنی دوتا منگوله. یك جورهایی برای زیبایی و تزئین بوده که رفته رفته منسوخ شد، اما من به کمك خاله‌هایم و مادرم که دانش درست کردن آن را بلد بودند، دوباره بندبالش‌ها را احیا کردیم.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۳۹۷

جدول عادی

افقی: ۱) شعار سال ۱۳۹۸- فراگیر کردن ۲) نوعی کامیون- باز شدن غنچه گل- گروه ورزشی ۳) یار عروس- ظالم ۴) سوگند- موزیسین ژاپنی و خالق قطعه جاده ابریشم- روئیدن ۵) پوستین- آهن گداخته را روی آن می‌کوبند- نوعی توپ فوتبال ۶) گله چارپایان- بصیرت- ریشه ۷) سخن درگوشی- از رشته‌های ورزش قایقرانی- از گناهان کبیره ۸) به سوی خدا بازگشتن- مجلس شادی و نشاط- همبازی لورل ۹) واحد اندازه‌گیری طول- چیزهایی که از نظر شرع حرام است- عید هجدهم ذی‌الحجه ۱۰) دانه معطر- ظرف طبخ آبگوشت- سرطان خون ۱۱) غیرواقعی- حصیر- چاه عمیق ۱۲) رمانی نوشته رضا امیرخانی- مأمور مراقبت از راه- فرشته ۱۳) جواب طفره‌آمیز- پی در پی بودن ۱۴) ناپدید کردن- گمراه- نام‌ها ۱۵) به شمار آمده- از یاران امام حسین(ع).

عمودی: ۱) برهنه- قرارداد اولیه معامله- تمام‌کننده ۲) دستیار- بزرگ منش- تکرار حرفی ۳) غلاف شمشیر- سقف فروریخته- آدم‌فروش ۴) سوره وان یکاد- ابر آسمان- قاضی ورزشی ۵) اجرای دستورات کاربر در بانك اطلاعاتی- پاك- پرتابه جنگی ۶) ملاقات- پیش از تموز ۷) مردار- موش و گربه کارتونی- به‌راستی ۸) برابر- سنگ سبز قیمتی- مربوط به فصل اول سال ۹) از لوازم تحریر- کوهی در خراسان رضوی- صدای پنچری ۱۰) نام اصلی چنگیزخان مغول- کتاب مقدس یهود ۱۱) کم پشت- از بنادر جنوبی کشورمان- طولانی‌ترین رودخانه کردستان ۱۲) قشون- بی‌هوشی- نام ۱۳) ترسانك جالیز- بیماری یرقان- جامه پشمینه درویشان ۱۴) حرف دهن‌کجی- خوردن غذای اندك برای رفع گرسنگی- پرداختی مجرم برای مجازات ۱۵) مقدور- پایتخت کنیا- زمین آذری.

جدول ویژه

افقی: ۱) مجموعه داستانی نوشته فیروز زنوزی جلالی- با نشاط ۲) از خطرناك‌ترین کوه‌های دنیا در آلاسکا- وعده داده شده- کامیون ارتشی ۳) طبیعت- همسایه تانزانیا ۴) مسیر حرکت- پسندیده- شهری در لرستان ۵) اجاق کیك‌پزی- داروی مقوی حاوی انواع ویتامین- مار افسانه‌ای ۶) فتنه و تباهی- فال نیك- بلندی اندام ۷) بلندمرتبه- ایالتی در آمریکا- نقطه تقاطع دو ضلع زاویه ۸) نام کوچك هیتلر- خیال- پاکدامنی ۹) مجموعه داستانی نوشته احمد محمود- قصد خیرخواهانه- در را به چارچوب متصل می‌کند ۱۰) مادر لر- سیاهی شهر از دور- استخوانی در گوش ۱۱) فاقد سقف- پشه- شکل ظاهری ۱۲) پشت‌نویسی سند تجاری- سنگ خارا- میوه انرژی‌زا ۱۳) فیلم آندره تارکوفسکی- ضد هم بودن ۱۴- گفتمان- جشن ازدواج- لباس زمستانی ۱۵) کرم چراغ‌دار!- داستانی نوشته صادق هدایت.

عمودی: ۱) حایل میان دو چیز- معاشرت- حرکت ۲) حاشا کردن- متناوب- قرص ۳) قشر، پوسته- دلتنگ- انتقال صفات از والدین به فرزندان ۴) به هوش باش- فال گرفتن- پوست دانه گندم ۵) رودی در پاکستان- مضمون- رنج ۶) رهبر انقلابی شیلی- مناسب و هماهنگ ۷) زهر- نام طایفه‌ای بختیاری- از واجبات نماز ۸) وسیله کمك حرکتی کودکان نوپا- خفت- پرنده‌ای با پاهای پره‌دار ۹) ادعا- گیاهی علفی و خودرو از خانواده خشخاش- ضمیر انگلیسی ۱۰) امتیاز ضربه‌های دست کاراته‌کا- مرکز استان صلاح‌الدین در عراق ۱۱) رفتن- ماه ششم فرنگی- خطا ۱۲) خدمتکار پیر- گیاه تك سلولی- بیان تأسف ۱۳) پهلوان ایرانی شاهنامه- روایت‌کننده- فانی ۱۴) حرف پیروزی- بی‌ارزش- وسیله‌ای برای نگهداری اوراق اداری ۱۵) از حواریون- وسیله توجیه ادعای دروغین- زمینه.

حل جدول عادی شماره ۵۳۹۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ح	ب	ل	ا	ل	و	ر	ی	د	■	ق	ب	ا	ح	ت
۲	ر	ا	ک	د	■	ل	ا	ل	ا	■	ن	ی	ا	س	ا
۳	ص	د	■	م	ر	د	ی	■	م	ر	د	ه	■	ی	ب
۴	■	م	ل	ک	ی	■	ز	ا	ن	و	■	ق	ا	ن	ع
۵	ف	ش	م	■	خ	ج	ن	د	■	م	ع	ی	و	ب	■
۶	ن	گ	ا	ش	ت	ن	■	ع	ا	ی	ق	■	ا	ن	گ
۷	ل	ر	ز	ه	■	و	د	ا	ع	■	ب	ا	ز	ر	س
۸	ا	د	■	ر	ت	ب	ه	■	ط	ا	ه	ر	■	و	ت
۹	ن	و	ش	ت	ن	■	ل	و	ا	ش	■	س	ا	ح	ر
۱۰	د	م	ر	■	ی	م	ی	ن	■	پ	ا	ی	ب	ن	د
۱۱	■	ی	ا	س	ه	■	و	ا	ل	ی	■	ن	و	ن	■
۱۲	م	ش	ب	ک	■	م	م	س	ک	■	ن	ص	ا	ب	■
۱۳	ن	ک	■	ج	ا	ل	س	■	ا	ل	ک	ن	■	خ	م
۱۴	ش	ن	ا	و	ر	■	ل	ن	ب	ه	■	ا	خ	ت	ر
۱۵	ق	د	م	ر	و	■	خ	س	ر	و	پ	ر	و	ی	ز

حل جدول ویژه شماره ۵۳۹۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ت	ح	ا	ل	ف	ت	و	ح	■	س	ر	ی	ا	ن
۲	و	ن	س	ی	■	ی	و	ک	ا	■	م	ا	س	ب	ق
۳	ز	و	■	ا	و	ن	س	■	س	ه	ی	م	■	ر	ر
۴	■	ی	ر	م	ر	■	ک	ژ	د	م	■	س	پ	ا	س
۵	ح	ر	ف	■	ق	پ	ا	ن	■	د	ر	س	ت	ه	■
۶	س	ا	ع	ت	ه	ا	■	د	ی	ل	م	■	ا	ی	ل
۷	ن	ف	ت	ا	■	ک	ل	ه	ر	■	ل	و	س	م	ی
۸	ن	ک	■	ز	ا	ی	ا	■	ا	ن	ه	ا	■	پ	ر
۹	ی	ا	س	ی	ن	■	ف	ر	ق	ه	■	ر	ت	و	ش
۱۰	ت	ر	د	■	ک	ف	ت	ن	■	ا	ن	د	و	ر	ا
۱۱	■	ع	ا	ی	ل	ه	■	ج	ا	ن	ی	■	د	د	ه
۱۲	ب	م	ب	ک	■	ی	و	ر	ت	■	م	ن	ه	ا	■
۱۳	ر	و	■	ر	ش	م	ه	■	ر	و	ا	ج	■	و	ق
۱۴	ن	م	ن	ا	ک	■	ا	د	ا	ب	■	و	ف	و	ر
۱۵	د	ی	د	ن	ی	■	ب	ا	ب	ا	ل	م	ن	د	ب